هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم



ما باید به خود باوری برسیم. اجازه ندهیم سرنوشت ما توسط حلقات مرموز تعیین شود. ملت افغانستان باید بدانند که تصمیم شان بالاتر از تصمیم دیگران است.

از فرموده های استاد شهید

در مراسم یادبود اولین سالگرد شهدای ۱۵ عقرب بغلان (۱۵ عقرب ۱۳۸۷)

دور ششم – سال یازدهم – شمارهٔ (۱۷) ۳۱ سرطان ۱۳۹۱ ۲ رمضان المبارک ۱۴۳۳ – 21 July 2012



پیام صلاح الدین ربانی
سرپرست جمعیت اسلامی افغانستان
به مناسبت حادثهٔ خونین ایبک مرکز ولایت سمنگان

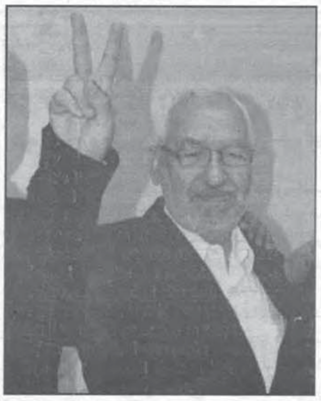
دشمنان مردم افغانستان با حملهٔ کور به مراسم خوشی مردم نشان دادند که جز با خون آشامی، با چیز دیگری اشباع نمی شوند و تنها با ریختاندن خون انسان ها است که این درنده خویان راضی می شوند.

احمد خان سمنگانی که در دوران جهاد و مقاومت به عنوان یکی از فرماندهان نامدار ولایت سمنگان در برابر تجاوز و اشغال مردانه ایستاده بود، خار چشم آن هایی بود که برای مردم این مرزوبوم، آجندا های شومی در سر می پرورانند.

به یقین دلیل ترور وی نیز در راستای از میان برداشتن آن هایی است که همچون گذشته، می توانند مانع اهداف شوم دشمنان مردم افغانستان شوند، اما قاتلان کور دل و دشمنان آرامش و ثبات مردم افغانستان باید به خوبی بدانند که با این جنایت ها، هرگز نمی تواند جلو حرکت رو به جلو مردم در جهت آرامش و ثبات را بگیرند.

با توجه به این که این حادثه نخست نیست و آخرین جنایت دشمنان مردم هم نخواهد بود، جمعیت اسلامی افغانستان از حکومت به ویژه دستگاه امنیتی کشور به صورت جدی می خواهد که برای شناسایی عوامل حادثهٔ خونین سمنگان و دیگر ترورهای زنجیره ای چند سال اخیر، گام های جدی بردارد. جمعیت اسلامی افغانستان با عرض تسلیت به خانواده های شهدای سمنگان، برای آن ها صبر جمیل و به زخمی های این حادثه شفای عاجل از بارگاه ایزد متعال استدعا دارد.

صلاح الدین ربانی
سرپرست جمعیت اسلامی افغانستان



راشد الغنوشی به ریاست حرکت نهضت تونس انتخاب شد

ص۶

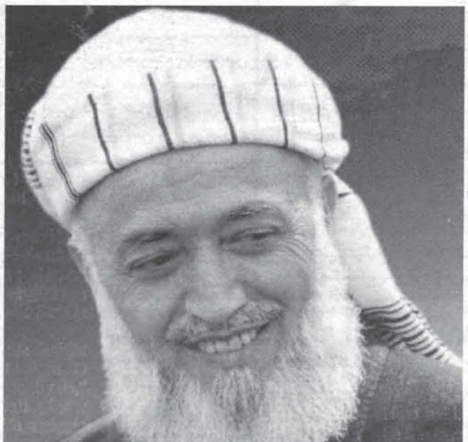
دشمن زبون، بار دیگر تیر کینه اش را به سمت یکی دیگر از راست قامتان جهاد و مقاومت مردم افغانستان نشانه رفت. با تأسف و تأثر شدید، اطلاع حاصل کردیم که شنبه ۲۴ سرطان، احمدخان سمنگانی از فرماندهان نامدار جهاد و مقاومت و عضو مجلس نمایندگان افغانستان در یک حملهٔ کینه توزانهٔ دشمنان سوگند خوردهٔ افغانستان همراه با شمار دیگری از جمله جنرال سید احمد سامع فرمانده پولیس زون ۶۰۶ انصار به شهادت رسیدند.

ادامهٔ قتل های هدفمند در کشور

ص۲



جنرال داوود داوود



رهبر فقید جمعیت اسلامی افغانستان، رئیس جمهور پیشین دولت اسلامی، رهبر جهاد و مقامت و شهید صلح پروفیسور برهان الدین ربانی



خان محمد خان مجاهد



انجنیر محمد عمر



جنرال سیدخیلی



عبدالمطلب بیگ



جنرال شاه جهان نوری



سید احمد سامع



احمد خان سمنگانی



جان محمد خان



ملک زرین

فلسفه و حکمت روزهٔ ماه مبارک رمضان

ص۷

آیا مذاکرات سه جانبه راه را برای ثبات هموار خواهد ساخت؟

ص۶

بی توجهی در برابر ترورهای زنجیره ای عواقب وخیم تری در پی خواهد داشت!

ص۲

افزایش خشونت ها، آیندهٔ ثبات را پرچالش ساخته است

ص۲

شهادت و نماد پردازی در شعر

ص۴

دیورند و اقدامات پاکستان و بی برنامگی حکومت افغانستان

ص۵

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل تایمنی سابقه سرک دوم خانه نمبر ۴۵
شمارهٔ تلفن: ۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵ /۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo& hotmail .com

سرمقاله

بی توجهی در برابر ترورهای زنجیره ای عواقب وخیم تری در پی خواهد داشت!

در پی ادامهٔ ترورهای زنجیره ای، شنبه ۱۷ سرطان شاهد به شهادت رسانیدن مجاهد و مبارز دیگری از دوره های جهاد و مقاومت و نمایندهٔ مردم سمنگان در مجلس نمایندگان (الحاج احمد خان سمنگانی) بودیم. که به دست کوردلان و دشمنانی که در یک دهه از سوی حاکمیت تعریف ناشده باقیمانده اند، در یک حملهٔ انتحاری جام شهادت نوشید. شهید احمد خان سمنگانی در محفل عروسی فرزندش در مرکز ایبک ولایت سمنگان در حالی که در پذیرایی مهمانان و در محفل خوشی حضور داشت، هدف انتحار کننده قرار گرفت، در این حادثهٔ المناک جنرال سید احمد سامع قوماندان پولیس زون ۶۰۶ انصار در غرب کشور، خان محمد رئیس امنیت ملی سمنگان، به شمول تعدادی از متنفذین و محاسن سفیدان سمنگان و نیروهای امنیتی شهید و حدود ۶۰ تن دیگر جراحت برداشتند که سمنگانیان را به ماتم نشاند. از بارگاه ایزد متعال روح رفتگان را شاد و جایگاه شان را بهشت برین مسئلت می نماییم، به بازماندگان شان صبر جمیل و به زخمی های این حادثه شفای عاجل می خواهیم.

پیش از این در طی دو سال اخیر، رهبر جهاد و مقاومت، رهبر جمعیت اسلامی و رئیس شورای عالی صلح جناب پروفیسور برهان الدین ربانی و بهترین فرزندان حماسه آفرین و متنفذین قومی کشورمان (انجنیر عمر، ملک زرین، جنرال خان محمد مجاهد، جنرال سیدخیلی، جنرال داوود داوود، جنرال شاه جهان نوری، جان محمد خان و عبدالمطلب بیگ) در اثر انفجار و انتحار دشمنان مردم افغانستان به شهادت رسیدند. با توجه به عدم پیگیری دولت و با نبود تعریف مشخص دشمن از سوی حاکمیت، شهادت احمد خان سمنگانی و همراهان اش هم شاید پایان این قتل های زنجیره ای نبوده باشد. زیرا در تمام حوادث دلخراش و ترورهایی که از مردم ما قربانی می گیرد و صدمه می بینند، با تقبیح شدید و تعیین کمیسیون بررسی و غمشریکی اکتفا می شود و بس! در حالی که متضررین حوادث و مردم خواهان آنند تا دولت که مطابق قانون مدافع جان و مال شهروندان کشورش است، در برابر تمام وقایع و حوادث برای مردم پاسخگو باشد و از این همه گفته ها و وعده های بی عمل، مردم خسته شده اند. همانطوری که فساد اداری، فقر و ناامنی در یک کشور تهدید ملی پنداشته می شود، فرآیند ترورهای رهبر و سران جهاد و مقاومت و متنفذین قومی نیز از جمله تهدیدهای ملی است که باید به آن سخت توجه داشت.

جمعیت اسلامی افغانستان این حادثه و حوادث پیش از این را که باعث به خاک و خون غلطیدن هموطنان عزیزما و به شهادت رسانیدن رهبر فرزانهٔ جهاد و مقاومت و بهترین فرماندهان این دو دورهٔ افتخار آفرین و متنفذین قومی گردیده است، را به شدت تقبیح می نماید و از دولت افغانستان اکیداً می طلبد تا بیش از این مردم را در انتظار نگذاشته، عاملین این جنایات نابخشودنی را شناسایی و به پنجهٔ قانون بسپارد. اما بر رهبران، فرماندهان و چهره های سرشناس دوره های جهاد و مقاومت و متنفذین قومی است تا از این همه ترور هایی که هرچند وقت بعد، یکی از همرهان شان را می گیرد، عبرت بگیرند. و در برابر توطئهٔ که به نابودی سران کشور ما کمربسته اند، بیاندیشند و به گفتهٔ شاعری، با این نگاه های خیره و یا هم بی تفاوتی، این قربانی ها ادامه خواهد داشت و برنامهٔ را که دشمنان مردم افغانستان در سر می پرورانند، عملی خواهند کرد.

ادامهٔ قتل های هدفمند در کشور

■ وحید مژده

صبح روز شنبه ۲۴ سرطان احمدخان سمنگانی فرماندهٔ جهادی سابق و نمایندهٔ پارلمان از ولایت سمنگان در مراسم عروسی دخترش در نتیجهٔ یک انفجار انتحاری کشته شد. این انفجار زمانی رخ داد که احمد خان از تعدادی از مهمانان در راهرو هوتل قصر الماس در شهر ایبک مرکز ولایت سمنگان استقبال می کرد. جمعی از این مهمانان صبح زود از ولایات دیگر خود را به ایبک رسانیده بودند تا قبل از اینکه ازدحام ترافیک در جاده ها، مسیر حرکت را به مشکل مواجه سازد و هوا گرمتر شود، خود را به این محفل برسانند.

داماد، برادر زادهٔ احمدخان، پسر اشرف خان بود. اشرف خان در زمان جهاد با روس ها به شهادت رسید و بعد از او احمد خان جانشین وی گردید. در مورد شخص انتحار کننده گفته می شود که، وی لباس و جیلک نو که معمولاً مهمانان چنین محافل به تن می کنند در بر داشت و مدتی را در خارج از هوتل قدم زد. به نظر می رسید که وی منتظر کسی است. به گمان اغلب وی در انتظار رسیدن مهمانان مزارشریف بود. قرار بود استاد عطا محمد نور والی بلخ هم در این مراسم شرکت کند اما وی بعداً معذرت خواست اما عدهٔ دیگر از جمله علم خان آزادی و اسحاق رهگذر را که نمایندگان پارلمان از ولایت بلخ بودند، به نمایندگی از خود به این محفل فرستاد.

زمانی که مهمانان مزارشریف به نزدیکی هوتل رسیدند، احمدخان در منزل سوم هوتل بود. وقتی به وی خبر دادند، او همراه با محافظین اش به سوی زینه های پایینی هوتل رفت تا از مهمانان استقبال کند. در همین موقع به وی خبر داده شد که استاد عطا در میان مهمانان نیست. وی در زینه های منزل دوم ایستاده بود که مهمانان مزار داخل هوتل شدند. شخص انتحاری هم با آنها داخل شد و زمانی که با احمدخان مصافحه می کرد، خود را منفجر ساخت.

روایت دیگر اینست که شخص انتحاری لباس پولیس به تن داشت و همزمان با مهمانان مزارشریف وارد هوتل شد اما شخصی که جیلک به تن داشت، در میان قربانیان این حادثه بود.

بعضی از کسانی که در این محفل حاضر بودند به این باور اند که اگر هدف انتحار کننده فقط یک نفر یعنی احمدخان می بود، می توانست قبلاً به سالون هوتل بیاید و با انفجار خودش هم احمدخان و هم صدها نفر دیگر را که در سالون بودند، بکشد. پس هدف تنها احمدخان نبوده است.

سابقهٔ سیاسی:

احمدخان سمنگانی فرماندهٔ قدرتمند جمعیت اسلامی در سمنگان بود. در سال ۱۳۷۱ بعد از سقوط حکومت داکتر نجیب الله که گرایش های قومی در افغانستان اوج گرفت، از جمعیت جدا شد و به جنبش ملی اسلامی به رهبری جنرال دوستم پیوست و سمت معاونیت جنبش را به عهده گرفت.

در دوران طالبان که قدرت دوستم رو به افول نهاد، احمدخان به جبههٔ مقاومت پیوست. در این زمان حتی از احمدخان به عنوان جانشین احتمالی دوستم نیز نام برده می شد. حرکت اسلامی ازبیکستان که در آن زمان درمیان ازبیک تباران افغانستان کار می کرد، احمدخان را به عنوان دشمن می شناخت.

قتل های هدفمند و مرموز:

به سلسلهٔ قتل های هدفمند که شخصیت ها را هدف قرار داده است، احمدخان آخرین مورد است اما این به معنای آن نیست که این سلسله به پایان رسیده است. پس سلسلهٔ این قتل ها ادامه خواهد یافت و نتیجهٔ بررسی ها نیز همچنان در پردهٔ ابهام باقی خواهد ماند. حضور طالبان در صحنهٔ ناامنی های افغانستان موجب ساده ساختن بسیاری از پیچیدگی ها شده است. هر قتلی را که می تواند ابعاد بسیار پیچیده داشته باشد، می توان با ادعای دست داشتن طالبان در آن، ساده ساخت و با این کلی گوئی که دشمنان صلح و ثبات مردم افغانستان در آن دست داشته اند، پرونده را در هاله ای از رمز و راز پیچید و همراه با مقتول به گور سپرد. قربانیان همه چنین سرنوشتی داشته اند؛ احمدشاه مسعود، انجنیر عمر، عبدالرحمن سیدخیلی، داود داود، شاه جهان نوری، مطلب بیک و استاد برهان الدین ربانی.

انگیزهٔ این قتل ها باید در نتیجهٔ بررسی های دقیق مشخص گردد. وقتی حکومت این کار را نمی کند، در حقیقت خود در ایجاد شایعات سهم می گیرد و این شایعه تقویت می شود که این قتل ها انگیزه های قومی دارد و به این ترتیب ضعف حکومت در این عرصه، به تقویت تنش های قومی در میان مردم کمک می کند.

فعالیت حرکت اسلامی ازبیکستان:

در میان نیروهای امنیتی افغان عادت بر اینست که وقتی طالبان عملیاتی را با برنامه ریزی دقیق انجام می دهند، مدعی می شوند که این کار را شبکهٔ حقانی سازمان داده است اما در مورد عملیات شمال، گاهی از حرکت اسلامی ازبیکستان نام برده می شود. تاکنون به صورت منظم خبرهایی از دستگیری افراد وابسته به این گروه از طرف مقامات امنیتی کشور اعلام شده است. پس احتمال دست داشتن این گروه در قتل های زنجیره ای شمال کشور که در حقیقت در تبانی با عمال داخلی طرفدار طالبان و دیگر گروه های دهشت افگن صورت می گیرد منتفی نیست.

اخیراً در رسانه های روسی هم نگرانی هایی ابراز شده که حرکت اسلامی ازبیکستان درصدد است تا سال ۲۰۱۴ جای پای محکمی در شمال افغانستان برای خود تدارک نماید. روس ها حرکت اسلامی ازبیکستان را در قاچاق مواد مخدر و اسلحه به آسیای میانه و روسیه دخیل می دانند.

حرکت اسلامی ازبیکستان شبکهٔ پیچیده ای است که اعضای آن منحصر به ازبیک ها نیست بلکه افرادی از ملیت های دیگر آسیای میانه، سین کیانگ و قفقاز را هم شامل اند. به همین دلیل طاهر یولداش نام این حرکت را به حرکت اسلامی ترکستان تغییر داد. اعضای این گروه در سال ۲۰۰۷ در وزیرستان شمالی هم متهم به کشتن سران قومی شدند و در نتیجه با مقاومت مسلحانهٔ طالبان پاکستانی مواجه گردیده و مجبور شدند آن منطقه را ترک نموده به وزیرستان جنوبی بیایند. تعدادی از اعضای این شبکه حتی موفق شدند تا به تاجیکستان بروند و سال گذشته تحت رهبری ملا عبدالله دست به عملیات علیه نیروهای تاجیکستان بزنند. ملا نذیر از رهبران طالبان در وزیرستان شمالی، این حرکت را به جاسوسی به امریکا متهم کرد.

هرچند گفته می شود که رهبر این گروه «طاهر یولداش» در وزیرستان کشته شده است و بعد از وی از شخصی به نام «عبدالرحمان تاتار» به عنوان رهبر این گروه نام برده می شود. بررسی امکان دست داشتن این گروه در کشتارهای شمال را نباید از نظر دور داشت. آنها در وزیرستان تحت فشار های زیادی قرار دارند و مجبور شده اند تا با آی اس آی هم رابطهٔ نزدیک تر برقرار نمایند. به همین دلیل طالبان پاکستانی به آنها نظر مساعدی ندارند. تعداد اعضای این گروه در وزیرستان اکنون به حدود ۱۲۰۰ تخمین زده می شود.

افزایش خشونت ها، آیندهٔ ثبات را پرچالش ساخته است!

نذرالله عنایت

طی هفته های اخیر آمار تلفات ملکی و نظامی در کشور افزایش یافته است. در رخداد اخیر خونین سمنگان به شمول احمد خان سمنگانی نمایندهٔ منتخب مردم در مجلس نمایندگان بیش از ۲۰ نفر کشته و به دها تن دیگر زخم برداشتند. دقیقاً روز چهار شنبهٔ هفتهٔ که گذشت، یک کاروان اکمالاتی نیروهای ناتو که از راه شمال به قصد کابل در حرکت بود در همین ولایت به آتش زده شد و طالبان مسلح مسؤولیت این حمله را پذیرفتند. این در حالیست که این گروه مسؤولیت حمله را بر مراسم عروسی که در آن احمد خان سمنگانی به شمول ۲۰ نفر شهید شدند نپذیرفتند.

در رخداد دیگر در ولایت هلمند روز چهار شنبه یازده نفر از نیروهای مسلح افغانستان به شمول چند فرد ملکی کشته شدند. از تلفات سربازان خارجی نیز در هفتهٔ که گذشت در ولایت های جنوبی و شرقی گزارش شده است.

در یک رخداد دیگر از ولایت قندهار گزارش شد که شش نفر غیر نظامی به شمول یک زن و دو کودک کشته شدند. چند روز پیش وزارت دفاع ملی اعلام کرد که حملات مخالفان بالای نیروهای امنیتی افزایش یافته است. سخنگویان آیساف نیز گفته اند که بر اساس بررسی های آنان ظرف ۱۲ هفته گذشته ۱۰ درصد حملات مخالفین مسلح در افغانستان افزایش یافته است. جنرال گونتر سخنگوی جدید آیساف این مطلب را به روز دوشنبه در یک نشست خبری در کابل بیان کرد. یک مقام پیشین ریاست امنیت ملی نیز طی هفتهٔ گذشته گفت که، در سه ماه اخیر ۱۸۰۰ نفر از کارمندان امنیتی افغانستان کشته و ۴۰۰۰ تن زخم برداشته اند.

از ولایت نورستان نیز گزارش شد که سه سرباز ارتش توسط دشمنان مردم افغانستان کشته شدند. تمیم نورستانی والی این ولایت از یک کمین این گروه جان به سلامت برد، اما یک نفر سرباز کشته و یک تن دیگر زخم برداشت.

افزایش حملات دشمنان مردم افغانستان در ماه های اخیر، باعث بالارفتن شمار کشته شدگان ص ۷

صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح:

اتحاد و همدلی جریان های سیاسی، یگاه نه راه عبور از بحران است

در گردهمایی که از سوی حزب اسلامی به رهبری عبدالهادی ارغندیوال به روز پنجشنبه ۲۲ سرطان در خیمهٔ لویه جرگه در کابل تدویر یافته بود، محترم صلاح الدین ربانی سرپرست جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح نیز شرکت داشتند و سخنرانی ایراد نمودند که متن کامل آن به نشر می رسد.

«اداره»



الحمدلله رب العلمین و الصلوه والسلام علی سیدالمرسلین و علی آله و اصحابه اجمعین

برادران عالیقدر؛ مجاهدین عزیز، اعضای محترم حزب اسلامی افغانستان و همهٔ حاضرین گرامی!

السلام علیکم و ور حمت الله و برکاته

خُرسندم که امروز در جمع بزرگی از شما برادران مجاهد حضور دارم و در مورد تأمین صلح و حفظ وحدت ملی صحبت می نماییم. تشکری می کنم از برادران حزب اسلامی که امروز در کنار دیگر برادران مجاهد خویش، تلاش دارند تا در محور فعالیت های خویش، گام های موثری را در جهت تأمین صلح و وحدت ملی بردارند.

برادران و خواهران!

همانگونه که کشور ما از لحاظ موقعیت، در جایگاه مهم جغرافیایی قرار داشته و به تعبیر فیلسوف شرق، علامه اقبال لاهوری، افغانستان قلب تپندهٔ آسیا است، به همین گونه در شرایط زمانی ای که ما و شما زندگی می کنیم، شرایط دشوار و حساسی است.

افغانستان امروز، از میان ویرانه های بازمانده از جنگ سر برون آورده است. اشغال، تجاوز و مداخله های بیرونی، جنگ هایی را بر مردم این سرزمین تحمیل کرده که پیکرش امروز به مداوا نیاز دارد. به همین دلیل فکر می کنم که در این مقطع حساس تاریخی، ما و شما مسؤولیت بس بزرگی داریم که چگونه به تیمار زخم های این مهد مجاهدت و مبارزه بپردازیم و مسؤولانه از این مرحلهٔ حساس و دشوار، بگذریم.

برادران عزیز!

نسل های گذشتهٔ مومن و مجاهد ما، همیشه در مقاطع حساس و دشوار تاریخی، از خود مسؤولیت شناسی نشان داده و با اتحاد و همبستگی برای عبور از مشکلات و تهدید ها، گام برداشته اند.

تاریخ افغانستان، مملو از صحنه هایی است که مردم مجاهد آن، برای بقای این سرزمین، چون دژ مستحکم ایستاده اند و جلو سیل های خروشان ویرانگر، مصداق همان تعبیر قرآنی، "کانهم بنیان مرصوص" ایستادگی کرده و از خود پایمردی نشان داده اند.

محصول این وحدت و همدلی مردم مجاهد این مرزوبوم، همانا تضمین بقای این سرزمین است و در برابر همهٔ تهدید ها، تنها اتحاد و همبستگی مردم مجاهد، استقلال آن را تضمین کرده است.

حضار گرامی!

نارسایی های مشابه و متکرری در تاریخ این سرزمین وجود داشته و هنوز هم نگرانی از تکرار آن وجود دارد. ما همیشه در برابر هر تجاوز و مداخله ای خوب مبارزه کرده ایم و از کیان این سرزمین دفاع و پاسداری کرده ایم، اما گذار از مرحلهٔ مبارزه به مرحلهٔ سازندگی، با دشواری هایی همراه بوده است. با پایان هر مبارزه ای که باید مردم این مرزوبوم وارد مرحله سازندگی می شدند، شاهد منازعه و درگیری دیگری برای تضمین بقا، آزادی و استقلال خویش بوده اند.

به همین دو دهه پیش نگاه کنیم که چگونه پس از چهارده سال جهاد مقدس که باید وارد مرحلهٔ سازندگی می شدیم و چشم امید همهٔ مسلمانان و آزادی خواهان جهان به ما دوخته شده بود، متأسفانه موفق به جلوگیری از توطئه های کلان منطقه ای و جهانی شده نتوانستیم تا به آرزوی یک و نیم میلیون شهید این سرزمین که همانا صلح، آرامی و ثبات در زیر پرچم یک نظام اسلامی بود، دست یابیم.

حضار گرامی!

ما امروز در شرایط بس حساس تاریخی قرار داریم. جامعه جهانی، پس از ده سال حضور در این کشور، به این نتیجه رسیده و دریافته اند که نیروهای شان را به خانه های خویش برگردانند. باید ما ثابت کنیم که به عنوان شهروندان با مسوولیت، در این مرحلهٔ گذار، گام هایی بر می داریم که کشور، با عبور از این مرحله، خدای نخواسته وارد منازعه و کشمکش دیگری نشود. تنها همدلی، همبستگی و اتحاد مردم، ضامن عبور موفقانه از این مرحله می باشد.

برادران و خواهران گرامی!

ممکن هر کسی چیزی بگوید و نسبت های ناسنجیده و غیر واقعی ای به مجاهدین داشته باشد؛ اما واقعیت تاریخی این است که بقای کنونی این سرزمین، محصول مجاهدت ها و مبارزهٔ میلیون ها مجاهد و مبارز این سرزمین بوده است؛ اما امروز سوگمندانه به جای بزرگداشت و نکوداشت از رفتگان و ماندگان آن ها، با القاب و عناوین نه چندان مناسبی یاد می شود.

این برای ما مهم نیست که دیگران چی قضاوت می کنند، مهم این است که مجاهدین افغانستان، در مرحله های دشوار جهاد و مقاومت مسؤولیت دینی و تاریخی خویش را ادا کرده و از این سرزمین پاسداری کرده اند. من می خواهم به نمایندگی از جمعیت اسلامی افغانستان امروز به این موضوع اشاره کنم که این حزب بزرگ و پرقدرت اسلامی و مردمی، در همهٔ صحنه های دشوار تاریخی، حضور فعال و هدفمند داشته است. در دورهٔ جهاد برحق مردم افغانستان، هیچ سنگری را نمی توان سراغ داشت که بدون خون مجاهد جمعیت اسلامی در راه آزادی و استقلال این کشور لاله گون نشده باشد و در دورهٔ مقاومت ملی نیز، این حزب سکاندار ایستادگی در برابر تجاوز و مداخله گری بوده است.

جمعیت اسلامی افغانستان، پس از انتقال متمدنانه، تاریخی و صلح آمیز قدرت برای نخستین بار در تاریخ معاصر افغانستان، یک بار دیگر نامش را درج صفحهٔ زرین تاریخ کرد. پس از انتقال قدرت، برای تأمین صلح و ثبات نیز همین مجاهدین افغانستان بودند که پیش گام صلح و گفتگو شدند. در زمانی که برخی چهره های غرض آلود، مجاهدین را به عنوان جنگ سالار می خواندند و همه طبل نبرد می کوبیدند، ندای صلح خواهی از میان مجاهدین افغانستان بلند شد و رهبر فقید جهاد و مقاومت و شهید صلح افغانستان، تأکید کردند که بحران افغانستان، تنها با صلح و گفتگو حل شدنی است.

پس از سال ها، دولت و جامعه جهانی، متوجه این فراخوان شدند و تصمیم انتخاب راه صلح را گرفتند. در این راه، شهادت رهبر فرزانهٔ جهاد و مقاومت مردم افغانستان نمونهٔ روشنی از فداکاری و قربانی بی دریغ مجاهدین برای آرامش و ثبات است.

با توجه به این همه فداکاری، خیلی نا بجا خواهد بود که با چشم پوشی از این حقایق تاریخی، مجاهدین افغانستان و این جریان بزرگ اسلامی و مردمی مورد تهاجم قرار بگیرد.

همه شاهد بودیم که در این ده سال گذشته، بیش از هر جریان دیگری، مجاهدین به ویژه جمعیت اسلامی افغانستان، قربانی توطئه های پنهان و آشکار شد و ده ها تن بهترین کدرهای منسوب به این جریان، یا قربانی توطئهٔ ترور های زنجیره ای شدند و یا هم در راه تأمین صلح و امنیت جان دادند.

مجاهدین قهرمان!

امروز اگر کشور و سرزمینی داریم، محصول قربانی ها و فداکاری های میلیون ها شهیدی است که متأسفانه برخی ها دانسته و یا نادانسته به آن می تازند؛ اما بدون توجه به ملامت ملامتگران، مسؤولیت تاریخی ما به عنوان وارثان میلیون ها شهید، این می باشد تا از گذشته ها عبرت گرفته و از این سرزمین، نگهداری کنیم که این آرزو، تنها با وحدت و همدلی به دست می آید.

قسمی که همهٔ ما و شما شاهد هستیم، اتکای جهاد بر حق مردم افغانستان در عالم اسباب، بر همین تشکل ها و تنظیم های اسلامی بود که با تقدیم کردن قربانی های بی شمار، بالاخره قدرت متجاوز شوروی وقت را نه تنها در افغانستان بلکه، در جغرافیایی بی حد و مرز امپراطوری خودش نیز محکوم به شکست ساخت. توده های میلیونی انسان های مظلوم و فداکار کشور عزیزمان در تشکل های مختلف سیاسی و جهادی، در یک رستاخیز بزرگ ملی به گفتهٔ رهبر شهید مان "مشت محکمی بر دهان اژدهای سرخ کوبیدند." اسطوره های جریان آفرین و تاریخ سازی که سال های قبل از تجاوز شوروی، طرح نهضت اسلامی را ریختند، از همان آوان اهداف شان روشن و مبین بود که در پی نظام مبتنی بر عدالت و آزادی در یک محور وحدت ملی بودند.

پیشنهاد من به همهٔ گروه های سیاسی و تشکل های مختلف اجتماعی و مدنی این است که با توجه به خروج نیروهای بین المللی از کشور در سال ۲۰۱۴ میلادی و رخداد های مهم سیاسی که در این مقطع با آن روبرو هستیم، برای تضمین بقای کشور با اتحاد و همدلی از این مرحله عبور کنیم؛ زیرا اگر ما مسؤولانه توجه نکنیم و رسالتمندانه تصمیم نگیریم، نشود که خدای نخواسته، کشور دچار بحران دیگر و دور باطل تشنج و مشکلات شود.

حضارگرامی!

در اخیر بار دیگر و با تأکید باید یاد آور شوم که، بیشتر از دیگران، احزاب و جریان هایی که از پیشقراولان جهاد مردم افغانستان بودند و رهبری مقاومت ملی را به عهده داشتند، باید بدانند که تأمین صلح و امنیت و ایجاد فضای اخوت و همدلی، از وجایب و رسالت های تاریخی شان می باشد و این توقع و انتظار را همهٔ مردم افغانستان از آن ها دارند.

و اقول قولی هذا و استغفرالله لی و لکم و لسایرالمسلمین

شهادت و نماد پردازی در شعر

نوشتهٔ ع – ملکزاد

نماد چیست؟:

بحث"نماد" و"نماد پردازی" را باپژوهشی در باره رنگ " قرمز" می آغازیم، که خون نیز بدان لون است. در شروع کلام مناسب دیده می شود تا گفته آییم: «نَماد» اگر(به فتح نون) تلفظ گردد، معنی "نشان دادن" را ارائه می دهد که فعلیست متعدی! هرگاه به "ضم نون" (نُماد) خوانده شود، معنایش "نمایان گردانیدن" می باشد و آن "مفهوم لازم" است.

نماد– چنانچه دکتر قبادی اشاره کرده- در معنای " فاعلی" نیز به کار رفته است که در این صورت مفهوم" ظاهرشونده" و"نمایان گردنده" را می رساند. علاوه ازاین سه وجهی که بدانها پرداختیم، از صیغهٔ "مصدری" اش نیز سخن رفته است که درآن صورت معنای آن «نماییدن» می شود.

این واژه معادلsymbol انگلیسی است و علمای لغت به آن معانی متعددی تراشیده اند که " نشانه"، "دل"، "نمودگار"، "نمون"، "مثل" ،"مثال"، "رمز"، "راز"، "سمبول"،"مظهر"، "جلوه"، "علامت" و...، از آن جمله است.

این دانشمندان مفهوم"رمز" را مناسب ترین و دقیق ترین معنی برای "نماد" پذیرفته اند. چنانچه «ترازو»: رمزعدالت است و«لاله» در ادبیات حماسی: رمز شهادت و «کبوتر»: رمزصلح ، "زیتون": نماد و سنبول سرزمین و صلح و آرامش و پایداری است و شب: نماد ظلمت و ستم پیشه گان. و یا حینی که از" سنگ" نام گرفته شود، «انتفاضه» در ذهن متبادر می گردد؛ یعنی مقاومت مردم مظلوم فلسطین در برابر رژیم سفاک اسرائیل! به قول گوهرپور: بخش قابل توجهی از نشانه هایی که ما در رفتارهای جمعی مان از آن پیروی می کنیم، نشانه هایی است که به دلیل تاریخی بودن شان به نماد و اسطوره بدل شده اند با این افاده برمی گردیم به موضوع دیگر که ارتباط می گیرد به سلسله جستارهای شهادت.

هرگاه خوانندگان گرامی، این سلسله نوشته هارا پی گرفته باشند، مستحضرخواهند بودکه بحث ما در پیوند با مباحث گذشته، یعنی شهادت است، که گل سرخ و اگرمشخص تر بگوییم: لاله و شقایق، ازنمادهای آن می باشد. یعنی هردو دارای رنگی اند قرمزی و هرورق آن ها گونه قطرات خونی است فرو چکیده از پیکر شهید!

"یکی از بارزترین شباهت های شهیدان با انواع گل های طبیعت این است که این دو گل گرچه عمری نسبتا کوتاه دارند اما برکات و ثمرات متداومی دارند و خاطرات عطرافشانی آنان برای همیشه در حافظه تاریخ می ماند و جامعه برای رویش و خودنمایی گل های بهاری امیدوار و منتظر لحظه شماری می کند."

رنگ چیست؟:

درسطور فوق گفته آمدیم که: خون رنگ قرمزی دارد؛ اینجا نیاز پیدا خواهیم کرد تا متذکرگردیم که: " رنگ" چیست؟ و رنگها حاوی چه رموزی اند و چه نماد هایی را ارائه می دهند؟ پاسخ اینست: یکی از برجسته ترین و نمودارترین عنصر، در حوزهٔ محسوسات، رنگ است.

شبستری می گوید:

هر آن چیزی که در عالم عیان است
چو عکسی ز آفتاب آن جهان است
که محسوسات ازآن عالم چوسایه است
که این طفل است و آن مانند دایه است.

آری رنگ، پدیده ای که همه ناظران را برای جذب شدن به سوی خویش فرا می خواند.

در نهاد آدمی حسی نهفته است که زیباشناسی اش نام کرده اند . این حس برانگیزندهٔ علاقه انسان به زیبایی است! وجود چنین رغبت نظاره گر را به تحریک وا می دارد تا با مشاهده ده ها رنگی که در چهره اشیاء نقش بسته است، و در دوروبرش پدیدار...؛ به آن ابراز تمایل کند. یعنی به سبب همین نگریستن و علاقه مند شدن به یکی ازآن رنگ ها توفیق می یابد تا آرامشی روحی را رفیق خود سازد. البته این جستار مستلزم کنگاش گسترده است و نگارندهٔ این سطور را درعلم روانشناسی دسترسی کافی نیست تا در این باب بیشتر گفته می آمد. علی ای حال!

شعرا و بهره گیری از رنگ:

آنچه اما این خامه می خواهد بدان بپردازد، همانا بهره گیری شعرا از رنگها و به طور اخص رنگ سرخ یا قرمزی است که همگون است با خون گلگون شهیدان! در روانشناسی، رنگ ها زبانی اند منوط به کافهٔ مردم. مزید براینکه هریکی از رنگ ها، حاوی پیامی جداگانه است و هرکدام می توانند تأثیر متفاوتی در ذهن انسان به جا بگذارد.

هر انسان را تمایلی به رنگی است. تردیدی نیست این علاقمندی تأثیری سازنده درحیات وی می آفرینند. از همین روست طوری که مشاهده می شود: " هرشخصی رنگ منحصر به فرد خود را دارد که نشانگرخوی وخلق و شخصیت وی می باشد."

به گونهٔ مثال "رنگ قرمز"،« بیش از اینکه رنگی باشد مثبت، رنگیست بسیار تند و فعال و بیشتر از اینکه به آدمی احساس آرامش القا کند، حس انگیزندگی اش را بیشترمی گرداند.» جدی بودن این مساله را می توان با نقل قولی از"امرسون" به اثبات رساند:

وی می گوید: «آدمی از مشاهده کهنه پارچه ای (پرچم) که در جهان بی رحم و آکنده از نظام قراردادها در اقصی نقاط کره زمین بر فراز دژی، خون را در رگ ها به غلیان در می آورد، دچار حیرت و شگفتی می شود. چنان که "کارلایل" معتقد است: نماد کم و بیش تجسم و مکاشفه ای است مشخص و مستقیم، از جهان لایتناهی: نمادها بشر را راهبر می شوند. او را سعادت و نیکبختی می بخشند و یا مفلوک و بیچاره می کنند؛ نه تنها جهان هستی نماد عظیمی از ذات پروردگار است، بلکه خود انسان نیز نماد وی است.»

مثالی هم از تجربیات و مشاهدات خود ما بزنیم:

وقتی همسنگران شهیدی شاهد به خاک و خون افتادن یکی از همرزمان و یا وابستگان خود می شوند، امر طبیعی است که حس انتقامجویی شان بیشتر تحریک می گردد .یعنی: مشاهده جاری شدن خون آدمی موجب می شود تا بیننده ای که به مقتول پیوند دارد، ابراز احساسات تندی بکند. این بدان معنی است که رنگ قرمز- که از نظر نمادین به گونهٔ خونیست که در هنگام فتح و پیروزی به زمین فرو می ریزد- اشتیاق و علاقهٔ شدید و احساسات تندی را در قبال دارد، درعین اینکه این رنگ به انرژی زا بودن خویش نیز زبانزد بوده ، و نماد قدرتش نیز خوانده اند.

بیاییم که از سرخ بیشتر گفته آییم: رنگ یاد شده "درکیمیاگری نشانه ای است از نیرومندی و علامتی است از سرخی خورشید"؛ همین طور وجود خون و جریان آن درشریان انسان رمز حیات و توانایی انسان قلمدادشده و در شرق "یاد آور آتش و از جانبی نشان دهندهٔ تولد دوباره" است.

دانشمندان امریکایی در بررسی هایی که پیرامون رنگ سرخ انجام داده اند، بدین باورند:" تماشای این رنگ واکنش های بیننده را سریعتر و قوی تر می کند. محققان دانشگاه روچستر در این تحقیقات نشان دادند که وقتی فردی رنگ قرمز را می بیند واکنش های سریعتر و قویتری از خود بروز می دهد. اما این اثر زمان کوتاهی را طی می کند این واکنش سریع و قدرت بالا، همان چیزی است که برای مثال، وزنه برداران به آن نیاز دارند. این محققان در این خصوص توضیح دادند: " قرمز واکنش های فیزیکی ما را افزایش می دهد. زیرا همانطور که می دانیم قرمز علامت خطر است. انسان ها زمانی که خشمگین و یا آماده حمله هستند قرمز می شوند. همچنین مردم می فهمند که قرمز شدن صورت دیگران به چه معنی است". این دانشمندان افزودند: "هرچند رنگ قرمز، نگرانی و دل مشغولی های افراد را هم متجلی می کند".

در این بررسی، واکنش های گروهی از دانشجویان در آزمایشات مختلف اندازه گیری شد. برای مثال، در یکی از این آزمایشات، دانشجویان زمانی که روی صفحه نمایشگر واژه "فشار" - که به یکی از رنگ های قرمز، آبی و یا خاکستری نوشته می شد - را می خوانند، باید با تمام قوا یک دستگیره را فشار می دادند. براساس گزارش یونایتدپرس اینترنشنال، در تمام موارد، زمانی که این واژه به رنگ قرمز نوشته شده بود تا حد قابل توجهی نیروی وارده به دستگیره بیشتر می شد و زمان واکنش شتاب می گرفت."

با این اشاره به نتیجه می رسیم: آنچه آلمانی ها کلمه قرمز یا سرخ را با واژه زندگی و خون هم ریشه دانسته اند، بازگو کنندهٔ دقت تحقیق در زمینه متذکره می باشد. منیژه دانایی در تحقیقی که پیرامون "روانشناسی رنگ ها" انجام داده، می نگارد: ققنوس پرندهٔ سرخ جنوب، نماد رنگ قرمزاست. گفته می شود ققنوس خود را روی توده ای از هیزم آتش زد ، سپس با شکوه و عظمت از آتش برخاست."

وی در بخش دیگری از تحقیقاتش می نویسد: "از زمان زندگی قبیله ای تا قرون وسطی وقتی کسی به جنگ و یا شکار می رفت، با رنگ قرمز نقاشی هایی به روی بدن خود می کشید تا [به عقیدهٔ آنها] این رنگ قدرت جسمانی او را زیاد کند و از او در برابر مرگ و زخمی شدن محافظت نماید." بدینترتیب آن ها هم به جنگ خطر، کمربر می بستند و هم در صدد تدارک وسایل دفاعی از خطر نیز می برآمدند.

گل سرخ نمادی از خون:

اکنون از گل بگوییم، ویژه ازلاله نعمانی و شقایق که هر دو را –خصوصاً در ادبیات حماسی- نماد خون می خوانند.

سرودهٔ معروف آغازین روزهای انقلاب اسلامی ایران که زمزمه می شد:

" از خون جوانان وطن لاله دمیده " مرتبط می شود با همین موضوع. طوری که نویسندهٔ مقاله:"گل نماد چیست؟" تحقیق کرده، در کشورهای مختلف ازگل معانی ای ارائه گردیده از آن جمله لاله" که نشانه یک عشق بی نظیر و ماندگار" خوانده شده و این مثلی است مشهور.

شعرای متقدم را با لاله و گل های سرخ رنگ دیگر نیز سروکاری بوده و این پدیده هارا در قالب سروده های شان با نماد پردازی هایی جالب آراسته اند و خون شهدا را با لاله و گل پیوند داده اند. با گشتی برصفحات شهنامه می توان مثال هایی را ارائه داد از آن جمله:

زمین سربه سر کشته و خسته بود
وگرلاله بر زعفران رسته بود

که تلفیقی است از سرهای کشته شدگان با لاله و زعفران. و بیت زیرهم از بخش ۱۶ شهنامه برگزیده شده است. آفرینندهٔ "کاخ بلند شعر" چنین تمثیلی دارد:

بیابان چو دریای خون شد درست
توگفتی ز روی زمین لاله رست.

یکی از موضوعات قابل توجه اینست که لاله و شقایق و شبنلید و سایرگل های سرخ، به دلیل ویژگی بارزی که دارند، بسا اوقات " نماد مهرآیینان" قرار گرفته اند. لاله و شقایق دارای تصاویری اند سرخ اما داغدار، و آن به گونه ای است که "دردل جام گل یک نقش چلیپایی سیاه رنگ وجود دارد. پنداری با چلیپایی مشکی رنگ آنرا نقش زده اند و داغدارش کرده اند."

از همین روست که لاله نمادی شده از"عشق سوزان"و یا نمادی از" خون شهید" یا کشتهٔ پاکباخته ای در راه عشق.

ادامه در شمارهٔ اینده

معضل فساد در افغانستان



محمد اکرام اندیشمند

فساد به عنوان یک معضل لاینحل و درد لاعلاج در افغانستان باردیگر نگرانی کشورهای کمک کننده را در آخرین گردهم آیی بزرگ و رسمی این کشورها در توکیو برملا کرد. در این کنفرانس که هرچند کمک کنندگان متعهد شدند تا شانزده میلیارد دالر کمک برای افغانستان ارائه کنند، اما از معضل بزرگ فساد در دولت افغانستان و از حیف و میل کمک ها سخن گفتند. این کشورها کمک های خود را به مبارزهٔ جدی دولت افغانستان با فساد و تلاش در جهت حکومتداری خوب و رعایت حقوق بشر مشروط کردند.

پیام رئیس جمهور قبل از سفر توکیو:

رئیس جمهور کرزی قبل از مجلس توکیو اعضای پارلمان افغانستان را در یک اقدام کم سابقه پیش از پایان تعطیلات تابستانی به پایتخت فراخواند و در مجلسی متشکل از سه قوای دولت به ایستادگی در برابر فساد تأکید کرد. هرچند وی از پایان دادن به مصلحت گرایی که به باور وی مانع مبارزه با فساد در درون دولت می شود، سخن گفت تا پیامی به کنفرانس توکیو باشد، اما به نظر می رسد که این پیام مؤثریتی چندانی در توکیو نداشت.

دست بیصدا:

رئیس جمهور کرزی که به شدت در کنفرانس توکیو (۹جولای ۲۰۱۲) تحت فشار قرار گرفت تا ادعای مبارزه با فساد را در عمل نشان دهد، در پایان کنفرانس توکیو و قبل از بازگشت به کابل با بیصدا خواندن یک دست در این مبارزه به فشار غربی ها واکنش خشم آلود نشان داد. او در نشست خبری در توکیو گفت که: صدا از یک دست بلند نمی شود.

او بیصدایی این دست را که اشاره به دولت افغانستان داشت به عدم همکاری و در واقع عدم صداقت کشورهای کمک کننده و کشورهای غربی ارتباط داد. رئیس جمهور نحوهٔ کمک ها و عدم شفافیت کمک کنندگان را در مصرف کمک ها از عوامل مهم گسترش فساد خواند.

بدون تردید یکی از عوامل فساد در افغانستان به خارجی ها و نحوهٔ کمک و عملکرد آنها بر می گردد، اما آیا می توان بیصدایی و ناتوانی دست دولت افغانستان را به این عامل محدود کرد؟

تعریف فساد:

مبارزه با فساد بدون تعریف فساد ناموٴثر و غیرعملی است. دولت افغانستان که به وجود فساد در درون نهادهای مختلف خود معترف است و پیوسته از مبارزه با فساد دم می زند، اما تا کنون تعریف درست و روشنی از فساد ندارد. دولت در گام نخست می باید به صورت شفاف و دقیق فساد را تعریف کند. این فسادی که هم جامعهٔ جهانی به خصوص مجامع کمک کننده و هم دولت افغانستان از آن سخن می گوید چیست؟ آیا فساد تنها محدود به اخذ رشوت مامورین دولتی از مراجعین می شود یا شامل نظام ناقص و ناکارآمد سیاسی و اجتماعی و انواع بی عدالتی و تبعیضی می شود که دولت در سطوح مختلف به آن آلوده است؟

تشخیص مراکز و محورهای فساد:

بدون تشخیص مراکز و محورهای فساد نمی توان از تعریف فساد در مبارزه با این پدیده استفاده کرد. وقتی دولت افغانستان در جهت مبارزه با فساد به تعریف فساد پرداخت، شناسایی لانه ها و مراکز فساد مستلزم این مبارزه است.

مراکز اصلی فساد در کدام بخش های دولت افغانستان قرار دارد؟ کدام ارگان های دولتی در چه سطحی آلوده در فساد هستند؟ آمار و میزان فساد در این ادارات چگونه است؟ افراد فاسد، حلقه ها و محور فساد در کدام ارگان ها و نهادهای دولتی لانه کرده اند؟ میزان نفوذ و قدرت سیاسی، اجتماعی و حتی نظامی آنها تا چه حدی است؟ حامیان خارجی در عقب این لانه ها و مراکز فساد و در پشت سر افراد و حلقه ها فاسد و غارتگر کیها هستند؟

اراده و برنامه:

ادعای مبارزه با فساد علی رغم تعریف فساد و شناسایی مراکز فساد بدون اراده و برنامه در جهت مبارزه با فساد راه به جایی نمی برد. فساد زدایی برنامه ریزی و ارادهٔ کار دارد. آیا تشکیل کمیسیون ها و افزایش اداره های جدید نمایشی از چنین اراده و گام مؤثر در زدودن فساد است؟ کارآیی و عملکرد غیر مؤثر و بی نتیجهٔ این کمسیون ها و ادارات مبارزه با فساد پاسخ این پرسش را روشن می سازد.

بدون شناخت مراکز فساد در درون دولت و عدم تشخیص تفاوت میزان فساد در ارگان ها و ادارات مختلف دولتی و آمار دقیق در مورد فساد نمی توان برای مبارزه با فساد برنامه ریزی کرد.

ابزار و زمینه های مبارزه با فساد:

در پایان همه مقدماتی که از الزامات مبارزه با فساد و فساد زدایی شمرده می شود، ابزار تطبیق مبارزه با فساد و زمینه های مساعد اجتماعی و فرهنگی این مبارزه مراحل عملی در این روند است. در میان تمامی ابزار های مبارزه با فساد و زمینه های مساعد این مبارزه، نظام و سیستم درست سیاسی و مجری این نظام به ویژه قوای اجرایی و قضایی دولت افغانستان نقش تعین کننده در فرآیند مبارزه با فساد دارد. با سیستم غلط فساد زای سیاسی و اجتماعی و مجریان آلوده و آغشته با فساد نمی توان وارد میدان مبارزه با فساد شد و نمی توان از این میدان پیروز برآمد. نه تنها در مبارزه علیه فساد از یکدست صدایی بر نمی خیزد، بلکه دستان آلوده به فساد در این مبازره صدایی نخواهند داشت.

دیورند

اقدامات پاکستان و بی برنامگی حکومت افغانستان

ابوبکر سبزوار

سفر راجا پرویز اشرف صدراعظم پاکستان به افغانستان، یکبار دیگر مقامات دولتی ما را به این طمع خام انداخت که بعد از بازشدن راه اکمالاتی ناتو از مسیر پاکستان، اکنون پاکستان آماده خواهد بود تا در قسمت تامین صلح و ثبات، با افغانستان همکاری نماید. به خصوص که اکثر تحلیل گران محترم ما که خوشبختانه تعداد شان مانند رسانه های تصویری در این کشور روزافزون است، عادت دارند تا پاکستان را کشوری زیر فشار و مجبور وانمود سازند که هیچ راهی جز تسلیم شدن در برابر خواست امریکا و غرب ندارد. از این تحلیل هم این نتیجهٔ منطقی را به دست می آورند که پاکستان باید در مبارزه با «تروریسم» به صورت صادقانه همکاری نماید و اگر چنین نکند، نه از خیبر پشتونخواه اثری باقی خواهد ماند و نه از سند. بلوچستان هم در التهاب جدا شدن از پاکستان است. پس ما افغان ها نباید زیاد نگران وضع باشیم. اما شرایط در امتداد خط دیورند با این خوشباوری ها همخوانی ندارد. ماه هاست که مناطق سرحدی ما به خصوص در ولایت کنر زیر آتش سنگین راکت و توپخانهٔ نیروهای پاکستانی قرار دارد. مردم این مناطق هرروز کشته و مجروح می شوند و تعداد زیادی هم مجبور به ترک خانه و کاشانهٔ خود گردیده اند. در مقابل حکومت افغانستان به جای اینکه جواب آهن را با آهن بدهد، فقط به این تهدید اکتفا کرده است که اگر این حملات ادامه یابد، افغانستان به شورای امنیت شکایت خواهد کرد و...

اکنون گزارشاتی در دست است که مقامات پاکستانی بار دیگر به صورت مخفیانه به مردم روستا های سرحدی در بعضی از مناطق پیشنهاد کرده اند که اگر تابعیت پاکستان را بپذیرند، حاضر اند تا به آنها شرایط بهتر زندگی را مساعد سازند.

این پیشنهاد پاکستان تازگی ندارد. سال هاست که در برابر پیشنهاد های وسوسه انگیز ساختن سرک، آوردن برق، مکتب و شفاخانه، در این مناطق بعضی از روستا های سرحدی افغانستان را ضمیمهٔ خاک پاکستان ساخته اند.

از کودتای ثور ۱۳۵۷ به بعد که افغانستان دستخوش نابسامانی گردید، برای پاکستان فرصت دست بردن به خط دیورند فراهم آمد. این خط که بخش اعظم آن بر روی زمین نامشخص است، فرصت چنین دست برد را فراهم می سازد.

بیاد داریم که در سال های آغاز جهاد در منطقهٔ انگور اده در مرز با مناطق قبایلی، سرحد خیلی عقب تر از امروز بود. در آن زمان تهانه های سرحدی نیمه ویران افغانی نشان می داد که سرحد میان دو کشور در کجاست اما به تدریج و با گذشت زمان، تهانه های پاکستان جلوتر آمد و اکنون کیلومتر ها از محل اولی خود تغییر محل داده است. در بعضی از مناطق دیگر هم وضع چنین است.

در حالی که دولت مردان ما با این طمع خام که پاکستان در حال فروپاشی است، رویای فردای یک پاکستان چند پارچه را می بینند، در عمل، مردم مناطق سرحدی ما با مایوسی از وضع خودشان که با حضور یکصد و پنجاه هزار سرباز خارجی و مصرف صدها میلیارد دالر هم تغییری نیافت، شناختی کارت پاکستانی دریافت می کنند و پذیرای سلطهٔ کشور همسایه برخود می شوند.

در سال ۱۸۹۷ زمانی که قرارداد دیورند میان عبدالرحمان خان و انگلیس ها به امضاء رسید و به موجب آن بخش بزرگی از خاک افغانستان به هند بریتانوی واگذار شد، مردم در بعضی از نقاط سرحد، خط دیورند را نپذیرفتند و نخواستند تحت سلطهٔ انگلیس باشند. به همین دلیل نقشهٔ ترتیب شده از خط دیورند، بر روی زمین مجال تطبیق نیافت و این خط نه سرحد بلکه به عنوان یک خط سرحدی متنازع فیه میان دو کشور باقی ماند. اکنون که بیش از یک قرن از آن دوران می گذرد، شرایط بین المللی و منطقه کاملاً تغییر کرده است. در گذشته اگر در افغانستان کسی این آواز را بلند می کرد که باید مسئلهٔ دیورند با پاکستان باید حل شود، به عنوان کسی که به منافع ملی کشور متعهد نیست و حتی خائن ملی شناخته می شد. قضیهٔ پشتونستان در آن زمان به عنوان یک قضیهٔ ملی برای افغانستان مطرح بود، اما اکنون کم نیستند کسانی که به این باور اند، تامین صلح در افغانستان، منوط به حل مسئلهٔ دیورند و مشخص شدن این خط به عنوان سرحد رسمی میان دو کشور است.

پاکستان که مناطق ماورای دیورند را به عنوان بخشی از خاک خود در اختیار دارد، هیچ عجله ای برای حل این مسئله نشان نمی دهد. نه در صوبهٔ سرحد اثری از تمایل به جدائی طلبی از پاکستان و پیوستن به افغانستان وجود دارد و نه بلوچ های پاکستان چنین خواستی را مطرح کرده اند. حتی اگر فرضا این دو صوبه از پاکستان جدا هم شود، افغانستان نه تنها نفعی نخواهد برد بلکه، ضرر خواهد کرد.

اما پاکستان می داند که آنروز دور نیست که افغان ها مجبور به پذیرفتن خط دیورند گردند و در آن صورت باید یک هیأت بین المللی این سرحد را تثبیت نماید. چون در گذشته نقشهٔ این خط با زمین تطبیق نشده بود، بسیاری از روستاها که در نقشه بخشی از خاک هند بریتانوی به شمار می رفت، در عمل زیر سلطهٔ افغانستان باقی مانده بود و زمانی که نقشه با زمین تطبیق گردد، این مناطق به عنوان نقاط مرزی مورد اختلاف طرفین مطرح خواهد شد. در آن صورت، لازم خواهد بود تا از مردم این مناطق نظر پرسی صورت گیرد. به همین دلیل پاکستان از سال ها بدینسو، طرح پیوست نمودن این مناطق را به خاک خود آغاز نموده است.

مناطقی هم وجود دارد که دارای حیثیت سوق الجیشی است. اگر روزی به تثبیت سرحد میان افغانستان و پاکستان توافق صورت گیرد، برای حل اختلاف، مراجعه به رای مردم نقش اساسی خواهد داشت. برای پاکستان سند مهم مالکیت، همانا وجود سرک، برق، کلینیک و سایر تسهیلات برای مردم این روستاهاست که از جانب پاکستان به این مردم به عنوان شهروند آنکشور تهیه شده است.

تا جائی که مسئله به افغانستان رابطه می گیرد. حکومت افغانستان تاکنون به این مسئله نگاهی از منظر یک مسئلهٔ ملی نداشته و شکایت های مقامات محلی در مورد دست اندازی های پاکستان در سرحد، کمتر به عنوان یک مسئلهٔ حساس مورد توجه قرار گرفته است. شاید به دلیل همان باور که پاکستان یک کشور در حال فروپاشی است و این تلاش های مقامات پاکستان نیز عبث و بی فایده است!!



۱- افغانستان:

اسلام گرایی در جامعه شیعه افغانستان سیر جداگانه از جریان اسلام گرایی اکثریت سنی مذهب داشت. شخصیت معروف این جریان سید اسماعیل بلخی بود که در سلطنت محمدظاهرشاه زندانی شد. اما زمان رشد نهضت اسلامی در جامعه شیعه افغانستان سالهای دهه هشتاد و پس از آن بود. در دهه هشتاد عیسوی سازمانهای مختلف اسلامی شیعه ظهور کردند که مراکز اصلی رهبری آنها در ایران قرار داشت.

جریان اسلام گرایی شیعه همچون جریان اسلام گرایی سنی در افغانستان در تمام سال های متذکره دچار تفرقه شدند. هرچند پس از خروج قوای شوروی و سقوط دولت حزب دموکراتیک خلق دو حزب وحدت اسلامی به رهبری عبدالعلی مزاری و حرکت اسلامی به رهبری محمدآصف محسنی شریک قدرت سیاسی شدند اما به توفیقی در وحدت و هماهنگی جریان اسلام گرایی شیعه بر مبنای اهداف مذهبی و سیاسی دست نیافتند.

۲- کشورهای عربی:

عراق:

مهم ترین حزب اسلامی شیعه در عراق مجلس اعلای اسلامی عراق، جنبش اسلامی برهبری مقتدی صدر است. مجلس اعلای اسلامی عراق بنام مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق در سال ۱۳۶۱خورشیدی توسط جمعی از علمای شیعه عراقی مقیم تهران تشکیل شد. در تأسیس این حزب سیاسی- مذهبی شیعه عراقی خانواده حکیم نقش اصلی داشتند. پس از رهبری این حزب توسط سیدمحمودهاشمی، محمدباقر حکیم در ریاست حزب مذکور قرار گرفت و پس از مرگ او عمارحکیم به رهبری مجلس اعلای اسلامی عراق رسید. این حزب در حکومت عراق سهم قابل ملاحظه دارد و بسیاری از گروه های سیاسی- مذهبی شیعه را در ائتلاف ملی عراق رهبری می کند.

حزب دعوت اسلامی یکی دیگر از احزاب اسلامی شیعه در عراق است که در سال ۱۹۵۷ عیسوی توسط عالمان مذهبی شیعه چون: آیت الله محمد باقرصدر، آیت الله سید مرتضی عسکری، ادیب موسوی و غیره تأسیس شد. باقر صدر در سال ۱۹۸۰ با ده ها تن از فعالان حزب الدعوه توسط دولت صدام حسین به قتل رسید و این حزب مورد سرکوبی قرار گفت. بسیاری از رهبران و فعالان آن به ایران فرار کردند. پس از حمله امریکا و سقوط دولت صدام حسین این حزب وارد حوزه قدرت سیاسی عراق شد و ابراهیم جعفری عضو این حزب به نخست وزیری رسید.

حزب صدریون یا جنبش صدری ها یکی دیگر از احزاب مقتدر سیاسی- مذهبی شیعیان عراق است که پس از یورش امریکا در سال ۲۰۰۳ عیسوی شکل گرفت. این حزب در واقع توسط نسل جوان و جدید حزب دعوت ایجاد شد که در رهبری آن مقتدی صدر چهارمین پسر محمد باقر صدر قرار دارد. او یک نیروی نظامی را بنام سپاه بدر نیز فرماندهی می کند.

سازمان عمل اسلامی یکی دیگر از احزاب قدیمی شیعیان عراق است که در دهه شصت سده بیستم عیسوی توسط آیت الله سید محمد شیرازی و سید محدتقی مدرسی تأسیس شد.

لبنان:

حزب الله لبنان یکی از مهم ترین حزب اسلامی جریان اسلام گرایی اهل تشیع است. این حزب در سال ۱۹۸۲ عیسوی با همکاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت و در سال ۱۹۸۵ بنام حزب الله لبنان اعلان موجودیت کرد. سپس اولین کنگره حزب الله در تهران تشکیل شد که در آن ۹ تن به عنوان اعضای شورای رهبری مشخص شدند. حزب الله هدف خود را تأسیس جمهوری اسلامی در لبنان خواند و خط مشی سیاست خود را بر مبنای مبارزه با اسرائیل و غرب گذاشت.

پس از آنکه در سال ۱۹۹۲عیسوی سیدعباس موسوی دبیر کل حزب الله توسط چرخبالهای اسرائیل کشته شد، سید حسن نصرالله عضو شورای رهبری به دبیرکل یا رهبری حزب الله رسید.

حزب الله پس از تشکیل رسمی خود که مورد حمایت مالی و تسلیحاتی ایران قرار گرفت به جنگ نامتقارن با اسرائیل ادامه داد و موجب عقب نشینی نیروهای اسرائیل در ۲۴ می ۲۰۰۰ از جنوب لبنان شد. سپس جنگ ۳۴ روزه با اسرائیل در جولای و آگست ۲۰۰۶ شهرت و موقعیت حزب الله را بالا برد.

حزب الله افزون بر آنکه از لحاظ نظامی قدرت مهم و ناشناخته ای است، از لحاظ تبلیغاتی، سیاسی، اجتماعی و سازماندهی حزبی بسیار با مؤفقیت عمل می کند. این حزب دارای شبکه جهانی تلویزیون المنار و فرستنده های رادیو النور وصدای مستضعفین، هفته نامه العهد و ماهنامه البلاد است. حزب الله درفعالیت های اجتماعی و ارائه خدمات اجتماعی نقش مهمی ایفا می کند. این حزب در سال ۲۰۱۱ عیسوی با مؤتلفین خود رهبری حکومت لبنان را تشکیل داد و در کابینه صاحب ۸ وزارت شد.

آیا مذاکرات سه جانبه راه را برای ثبات...

حامدکرزی رئیس جمهور، روز پنجشنبه با نخست وزیران پاکستان و بریتانیا در کابل دیدارنمود.در این ملاقات هرسه طرف روی مسایل دو جانبه و سه جانبه، موضوع مصالحه و دهشت افگنی در منطقه بحث و گفتگو نمودند. نخست وزیر بریتانیا در کابل به طالبان هشدار دادکه منتظر خروج نیروهای خارجی در سال ۲۰۱۴ نباشند.

کامرون در یک کنفرانس خبری با حامد کرزی گفت: فکر می کنم پیام روشنی به طالبان فرستاده ایم وآن این که شما نمی توانید منتظر باشید تا نیروهای خارجی در سال ۲۰۱۴ از اینجا خارج شوند، زیرا ما بعد از آن نیز در دراز مدت دوستان و حامیان استوار افغانستان خواهیم ماند. همچنان کامرون در رابطه با نقش پاکستان تأکید کرد که این کشور می تواند مشترکا با افغانستان در آوردن صلح کمک کند.

راجه پرویز اشرف پس از آن که به مقام نخست وزیری رسید اولین سفرش به کابل بود و با حامد کرزی دیدار داشت. نخست وزیر پاکستان در سفرش به کابل گفت: روی موضوعات مصالحه با طالبان و حملات مرزی با حامد کرزی گفتگو کرده است. مقامات هر دو کشور در یک کنفرانس مشترک ظاهر شدند، روی مسایل و موضوعات مرتبط در حضور رسانه ها صحبت کردند. نخست وزیر پاکستان از کمک ۲ میلیون دالری به نیروهای امنیتی، یک هزار بورس تحصیلی، کمک در بخش بانکداری و تجارت خبر داد. در همین حال نخست وزیر پاکستان تصریح کرد که کشورش جزء راه حل افغانستان است نه مشکل. او یک بار دیگر گفت که از گفتگوهای صلح با طالبان حمایت می کند. در نشست خبری تصریح گردیدکه رئیس شورای عالی صلح در آیندۀ نزدیک به پاکستان سفر می نماید تا موضوعاتی را که در دیدار سه جانبه صورت گرفته است،دنبال نماید.

مناطق سرحدی افغانستان بارها با شلیک فیرهای سلاح ثقیله از آن سوی مرز مورد حمله قرار گرفته و تعداد زیادی از هموطنان ما کشته و یا هم از بیم جان خانه های شان را ترک نموده اند. مقام های اسلام آباد مدعی اند که طالبان پاکستانی از بخش های از مناطق مرزی افغانستان به عنوان پناهگاه استفاده می کنند.سفر نخست وزیر پاکستان به کابل در حالی صورت می گیرد که روابط هر دو کشور حد اقل طی یک سال اخیر همراه با مشکلات بوده و صادقانه جانب پاکستان در امر برگشتاندن صلح و ثبات به حکومت افغانستان کمک نه کرده است.

راشد الغنوشی به ریاست حرکت نهضت تونس انتخاب شد

نهمین مجمع عمومی حرکت نهضت تونس در پایتخت تونس برگزار گردید. در این همایش هزار و صد و سه نفر نمایندۀ حزب حرکت نهضت از سراسر کشور تونس گردهم آمده بودند که همۀ طبقات و لایه های اجتماعی تونس را نمایندگی می کردند. این نهمین مجمع عمومی نهضت پس از ۴۴ سال فعالیت سری است که نخستین مجمع عمومی علنی این حزب به شمار می رود. در این مجمع عمومی ضمن انتخاب شدن نهادهای حزب استاد راشد الغنوشی بار دیگر به عنوان رئیس این حزب با کسب ۷۴ درصد آراء انتخاب شد.

در بیانیۀ پایانی همایش آمده است: «مردان و زنان مبارز حرکت نهضت در محلی واحد جمع شدند که در آن صف واحد و هدف واحد و آرمان واحد آنان را جمع کرده است، چنانکه در گذشته آنان را درد مشترک جمع کرده بود».

بیانیۀ پایانی نیز اشارت می کند: «برگزاری این مجمع عمومی مشارکتی است از سوی حرکت نهضت در اقتدار سیاسی بعد از آنکه برای دهه هایی مستضعف و مورد ستم بود.. این همایش حدی فاصل است که طومار دورۀ استضعاف را در هم پیچید و این همایش نهضت زیر شعار: آیندۀ ما در دست ماست به سوی احراز مقام خلافت روی آورده است».

والی نامنهاد طالبان در سمنگان، کشته شد

بنا به گفتۀ عبدالخلیل اندرابی قوماندان امنیۀ ولایت سمنگان، در عملیات نیروهای امنیتی نیروهای آن ولایت، بالای ولسوالی درۀ صوف آنولاء، والی نامنهاد طالبان به نام ملا امیرگل را با چهارتن همراهانش کشته اند و مرکز آن ها را در آن ولسوالی به کلی تخریب نموده اند.

اندرابی-گفته است که والی نامنهاد طالبان در قریۀ جمالک ولسوالی دره صوف، یک مرکز نظامی داشتند، که در آن به همکاری جنگجویان خارجی، ماین های ریموت کنترول و واسکت های حملات انتحاری تهیه می کردند.

این عملیات حدود یک هفته را در بر گرفت و پیش از حملۀ خونین انتحاری در مرکز ایبک که منجر به شهادت رسیدن فرماندۀ دوره های جهاد و مقاومت، عضو مجلس نمایندگان، الحاج احمد خان سمنگانی، سید احمد سامع فرماندۀ زون ۶۰۶ انصار در غرب کشور، محمد خان رئیس امنیت ملی و بیست تن دیگر گردید و ده ها تن دیگر در این حادثه جراحت برداشتند، این عملیات در آن ولسوالی آغاز گردیده بود که دو روز بعد از این حادثۀ خونین، نیروهای امنیتی توانستند سنگرهای طالبان را در دره صوف درهم بکوبند و سران آن را به قتل برسانند. همچنان گفته شده که در جریان این عملیات دوازده تن مخالفین مسلح دولت دستگیر شده است که برخی آن ها خارجی اند اما تا هنوز هویت خارجی ها افشاء نشده است.

خبر های تأیید ناشده گفته شده است که، طراح حملۀ انتحاری مرکز ایبک، همین والی نامنهاد طالبان بوده است که در ولسوالی دره صوف کشته شد.

فلسفه و حکمت روزه...

تقوی و پرهیزگاری روزه بگیرد گناهان گذشته اش آمرزیده و عفو خواهد شد). (*) صدق پیدا می کند.

روزه یقیناً عبادتی است مانند سایر عبادات اسلامی که صاحبش را مزین به لباس تقوا و پرهیزگاری می گرداند و از ارتکاب اعمال نا شایست و ناپسند به واسطۀ امساک روزه مانع می گردد و به مصداق حدیث پیامبر اسلام «ص» اجر و ثواب روزه دار واقعی فقط خاص از جانب ذات پاک خداوند داده می شود . چنانچه در حدیث قدسی نسبت روزه را خداوند به ذات پاک خود داده و چنین فرموده است: الصوم لی و انا اجزی به (هر عمل صالح اولاد آدم مربوط به خودش بوده غیر از روزه که آن از آن من است و من پاداش و مزد آن را می دهم و روزه به منزلۀ سپری است مر صائم را هر وقتی که یکی از شمایان روزه داشته باشد پس نباید جماع کرده و یا داد فریاد و سروصدا و غوغا برپا کند و اگر او را کسی دشنام دهد و یا با وی جنگ کند باید شخص روزه دار در جوابش بگوید که من روزه دارم. قسم به ذاتی که جان محمد«ص» به ید قدت بلاکیف او است، بوی دهان روزه دار در نزد خداوند از بوی مشک خوشبوتر است. روزه داران را دو فرحت و خوشحالی باشد، یکی در وقت افطار و دیگر در وقت ملاقات پروردگار.)(*)

منابع:

قرآن کریم سورۀ بقره آیه ۱۸۲
- حدیث شریف به روایت بخاری و مسلم. متفق علیه
- حدیث شریف . متفق علیه



فلسفه و حکمت روزهٔ ماه مبارک رمضان

سید محمد خیرخواه

قرآن کریم در سورهٔ بقره آیه ۱۸۲ چنین فرموده، ترجمه: (ای مؤمنان بر شما فرض گردیده روزه مثلی که فرض گردیده بود بر امت های پیش از شما تا اینکه پرهیزگار و باتقوی شوید.) چیزی که ازحکمت و فلسفهٔ عبادات مفروضه در اسلام به طور کلی دانسته می شود این است که، در انجام هر یک از عبادات مفروضهٔ اسلامی حکمت و فلسفهٔ ظریف و جداگانه نهفته است که با انجام آن عبادت انسان مؤمن می تواند طهارت، نظافت، صفا و صمیمیت، اخلاص و اخوت، صبر و شکیبایی، تحمل و بردباری و دیگر ارزش های معنوی انسانی را به دست آورد و از این راه بتواند خود را از لجنزار مادیت وگرفتاری های دنیوی به طور مقطعی هم اگر شده برای مدت زمانی رهانیده و به پیرایش و تهذیب اخلاقی و روحی خویش بپردازد تا بدینوسیله بتواند احتیاجات معنوی انسانی و درونی خویش را مرتفع ساخته، روح و معنویات عالی انسانی را در خود تنزیه و تزکیه و پالایش دهد.

به طور مثال، خود روزهٔ ماه مبارک رمضان یکی از همین عبادات اسلامی بوده که شخص روزه دار می تواند از طریق امساک روزه به تغذیهٔ معنوی و تزکیهٔ نفس و تقویهٔ ارادهٔ انسانی در خود پرداخته، آمادهٔ مجاهدت های بیشتری در عرصه های مختلف زندگی خویش گردد.

یقیناً شخص مؤمن روزه دار با صیام روزهٔ ماه مبارک رمضان می تواند در پهلوی کسب فیوضات فراوان دیگر حکمت و فلسفه روزه را نیز درک نموده، به ابعاد گوناگون آن پی ببرد و از صحت جسمانی که در پی امساک روزهٔ ماه رمضان برای انسان روزه دار حاصل می گردد (صوموا تصحوا) گرفته تا به فلسفه اجتماعی و اخلاقی روزه که شخص (صائم) و روزه دار با گرفتن و امساک روزه در طول مدت یک ماه متوالی و پیهم می تواند حاصل نماید نیز پی ببرد طوری که انسان روزه دار و صائیم از این طریق می تواند از وضعیت اجتماعی و طرز زندگی انسان های ضعیف و ناتوان که توانایی تأمین زندگی خویش و خانوادهٔ خود را ندارند و اجباراً گرسنه زندگی کرده و گرسنه می خوابند و بسا اوقات نمی توانند شکم خویش و فرزندان خود را سیر کرده و زندگی خویش را تأمین نمایند و اکثر اوقات شکم خودشان و اولادهای ایشان گرسنه است باخبر می گردد. که این خود بزرگترین درس زندگی اجتماعی برای انسان به خصوص برای ثروتمندان بی درد که درد گرسنگی و فقر را نمی توانند درک نموده و بدانند که فقراء چه حالتی دارند به حساب می آید. و از طریق امساک روزه و تجربه نمودن گرسنگی می توانند چنین درس را یاد گرفته و درک نمایند که گرسنگی و فقر چه لذتی دارد و فقر یعنی چه؟ و بدین صورت روزه داران واقعی می توانند بدانند که فقراء و مساکین و مستمندان در چه حالتی زندگی می کنند و چطور درد گرسنگی را تحمل می نمایند و به طور فیزیکی و حسی میتوانند درک نمایند که گرسنگی چه طعم تلخی دارد؟ و از حال زار مستمندان و بینوایان خبردار گردند و به درد ایشان آشنائی پیدا کنند.

روزه در واقع عملاً مقدمهٔ بر جهاد و مبارزه و یک نوع نبرد با نفس و خواهشات آن به حساب میرود و شخص روزه دار با تمرین آن به نفس خود می فهماند که در مقابل مشقات و گرسنگی ها باید مقاومت و استواری را بیاموزد و حوصله و تحمل، شکیبایی و امانت داری را فراگیرد. روزه همچنین به انسان ارادهٔ قوی انسانی را آموخته و تعلیم می دهد. طوری که او در حالی که توانایی دارد و می تواند بخورد و بیاشامد – بدون اینکه کدام اجبار و مانع ظاهری برای جلوگیری از غذا خوردن و نوشیدنش وجود داشته باشد و کسی و یا چیزی مانع از خوردن و یا آشامیدنش گردد – او هرگز نمی خورد و نمی آشامد. اگر در گوشهٔ خلوت و یا به کدام دشت و بیابان دور افتاده هم بوده باشد و به غیر از خدای بزرگ احدی در آنجا و در آن حالت خلوت حضوری نداشته باشد، باز هم با همهٔ توانایی هایش مبنی بر اینکه بخورد و بیاشامد و یا مجامعت کرده روزهٔ خود را نقض نماید، او تنها به واسطهٔ اطاعت و امتثال اوامر و دساتیر خداوندی این کار را نمی کند و به امساک روزهٔ خویش ادامه داده و آنرا نقض نمی نماید. و امر و دستور خدای بزرگ خویش را اطاعت کرده و از آن سرباز نمی زند، که این خود برای انسان مؤمن درس عظیم دیگری است که با مشق و تمرین روزه می تواند آنرا بیاموزد و اگر احیاناً کدام روزی در سنگر جهاد و مبارزه با دشمن واقعی هم قرار گیرد استقامت و پایداری کرده، سنگر را برای دشمن رها نمی کند و با همه زحمات و سختی های جنگ، از خود ایثار و پایداری نشان می دهد.

حکمت و درس دیگری که از تمرین و مشق روزه برای انسان روزه دار حاصل می گردد خودسازی و حصول اعتماد به نفس انسانی و امانت داری برای روزه داران واقعی است، که برای آنها می آموزاند تا در هیچ حالتی از احوال و تحت هیچ شرایط به حقوق و اموال دیگران – ولو ناظر و محافظی هم در بالای اموال آنها حضور نداشته باشد – تعرض و تجاوز ننمایند. و به هیچ صورتی و در هیچ زمان و شرائطی این حق را به خود نداده تا به حقوق و اموال و نوامیس دیگران دست درازی و تعرض کنند. چه حقوق، اموال، حیثیت و آبروی دیگران را باید مانندہ حیثیت و آبروی خود دانسته و از تعرض و تجاوز مصئون و محفوظ بدانند. زیرا روزه داران واقعی اعتقاد دارند که روزه به معنی واقعی اش شامل امساک تمام اعضاء و جوارح ظاهری و باطنی انسان گردیده، دست، دهان، پای، چشم، گوش، زبان، قلب و همهٔ وجود انسان مؤمن باید روزه دار باشد. دهان و زبان او به جز از کلمهٔ حق و سخن خیر چیز دیگری نگوید، از دست و زبانش کسی آزار و اذیت نشود، پایش به سوی حرام و ناحق کشیده نگردد، چشم و گوش آن فقط حق ببیند و حق بشنود. قلبش به ذکر خدا مشغول بوده از شرک، نفاق، بغض، کینه، عداوت، ریاء و خودنمایی پاک و تهی باشد.

اینجا است که مصداق واقعی حدیث پیامبر اسلام (ص) که می فرمایند: (من صام رمضان ایمانا واحتسابا غفر له ما تقدم من ذنبه) ترجمه: کسی که روزهٔ ماه مبارک رمضان را از روی ایمانداری،

ص۶

افزایش خشونت ها...

و زخمی شدن نیروهای امنیتی و افراد ملکی شده است. ایمل فیضی، سخنگوی رئیس جمهور درصحبت بارسانه ها پذیرفت که آمارکشته شدگان و زخمی های نیروهای امنیتی در ماه های اخیر بالا بوده است، اما آماری ۱۸۰۰ نفری را تأیید نکرد.

این درحالیست که حامدکرزی، رئیس جمهوری افغانستان، در نشست فوق العادهٔ قوای سه گانه در ساختمان شورای ملی که به تاریخ اول سرطان برگزار گردیده بود گفته بودکه در هر ۲۴ ساعت بیش از ۲۰ مأمور امنیتی کشته می شوند.

بر اساس آمار ارائه شده از سوی رئیس جمهور، تعداد مأموران کشته شده در طول سه ماه می تواند بیشتر از ۱۸۰۰ تن شود. افزایش خشونت ها و تلفات ناشی آن بستگی در چند واقعیت تلخ دارد که متأسفانه با آنکه کارگزاران افغانستان خوب می دانند اما متأسفانه در امر خنثی سازی آن توجه اندک صورت گرفته است.

استفاده از تکنالوژی پیشرفته و هوشمند:

درجنگ ده سال اخیرکه یک طرف نیروهای امنیتی افغانستان، همراه با نیروهای آیساف بودند و طرف دیگر دشمنان صلح و ثبات مردم افغانستان، هر دو طرف از شیوه ها و روش های گوناگون و نامتعارف استفاده کرده اند. طالبان از حملات انتحاری گرفته تا بمب های جا سازی شدهٔ کنار جاده، درکشتن مردم نه نمودند. بناءً آنگونه که مقامات دولتی اذعان کرده اند نزدیک به ۸۰ درصد تلفات نیروهای امنیتی ناشی از انفجار بمب های هوشمند جاسازی شده در کنار جاده بوده است. گفته شده است از تکنالوژی جدید که عبارت از بمب های هوشمند و راهبری شده می باشد سازمان های استخباراتی در اختیار طالبان قرار داده است.

ضعف نیروهای داخلی:

نیروهای داخلی افغانستان از امکانات لوژستیکی و انگیزه درست در پیروزی با دشمن برخور دار نیستند. چرا که دولت افغانستان طی ده سال گذشته با دشمن از طریق مدارا و ترحیم برخورد کرده است. طالب که نام مقدس در ادبیات عام است، روی دیگر آن هنوز تعریف نشده است. کار برد اصطلاح " دشمنان صلح و ثبات افغانستان" هنگام بروز یک جنایت بشری مفهوم مجهول را در میان مردم ارائه کرده است. آگاهان امور می گویند دولت افغانستان مصمم نیست، تا با نیروهای جنگی مبارزهٔ قاطع و هدفمند داشته باشد.

درعین حال نیروهای امنیتی ازمنابع و امکانات دولتی برای استحکام دولت استفاده نمی کنند و افرادی که در دولت هستند از منابع و امکانات کمک های خارجی استفادهٔ متفرق می کنند. در این کشور رسم بد این است که مناقع قوم نسبت به منافع ملی ارجحیت می یابد. آنگونه که گفته می شود گپ به جای کشیده است که حالا به طالبان در میان برخی از افراد که ظاهراً در صفوف دولت هستند به دیدهٔ دشمن نگاه نمی کنند.

اعلان خروج نیروهای خارجی:

اعلان خروج نیروهای خارجی مخالفان مسلحهٔ دولت را جسورتر ساخته است. این گروه ها قصد دارند با افزایش حملات موازنهٔ نظامی ایجاد نمایند. مخالفان مسلح گفتمان صلح را آنگونه که دیده شده است اغفال می کنند و از طریق جنگ در پی کسب قدرت به طور مطلق یا هم مشارکتی در آینده هستند.

قرار است نیروهای امنیتی افغانستان تا پایان سال ۲۰۱۴ مسؤولیت های امنیتی را از نیروهای خارجی به رهبری ناتو به دست بگیرند. این در حالیست که طالبان خود را به طور کل پس از ۲۰۱۴ آمادهٔ یک جنگ کاملاً عیار می کنند.

فصل برداشت تریاک:

به طور سنتی طی ده سال گذشته خشونت ها در فصل گرما افزایش می یابد، مواد مخدر که در واقع یکی از منابع تغذیه کنندهٔ جنگ است، برای به دست آوردن محصولات آن نیروهای مسلح مخالف دولت دست به خشونت می زنند. برخی ها نیز بدین باورند که با برداشت فصل تریاک و سرازیر شدن مفاد آن به جیب مافیا انتظار می رود که میزان خشونت ها در چند ماه دیگر سیر نزولی به خود بگیرد. اما آنچه که عیان است وضعیت امنیتی طی سال های اخیز به ویژه سال جاری رو به وخامت گراییده و آیندهٔ ثبات و امنیت را در کشور پرچالش ساخته است.

د پښتونخوا حکومت لخوا د مهاجرینو...

حکومت لرونکي سیاسي گوند (عوامي نېشنل گوند) خو د تاریخ په اوږدو کې د افغانانو د میلمه پالنې او د افغانستان د حکومتونو له لوریدنې څخه تل برخمن پاتې شوی دی؛ د دوی سیاسي مشرانو او زده کوونکو ته خو به د افغانستان حکومتونه له خپلو وگړو څخه هم زیات مراعات ورکول، اوس هغه پښتو څه شوه چې په برکت به یې دې خلکو، زمونږ د خپلو هېر کړو او پردو پاللو پالیسي لرونکو حکومتونو پاملرنه ځانته راړوله.

او لاتر اوسه هم د همدې گډون پر بنیاد زمونږ اوسني واکمنان هم د مهاجرینو د ریښتونو پالونکو پاکستانیانو سره تړبگني بنايي خو د دوې مشران دومره درانه بلي چې په نومونو یې علمي سمینارونه هم نیسي، پداسې حال کې چې د هجرت په شپو ورځو کې به یې مهاجرین له خپله هیواده تښتیدلي او اشرار بلل.

همدارنگه د مهاجرینو د ستونزې په وړاندې که د پاکستان حکومت او یا دغه پښتانه مسوولیت لري چې مونږ یې یادونه وکړه، له دوې څخه خو برابره زیات زمونږ اوسني واکمنان او د بن له پریکړې راهیسې د واك په گدی ناست چارواکي هم مسوولیت لري چې د یوولسو کلونو په دوران کې یې هم ونشو کولای چې د مهاجرینو د راستنېدو زمینې او فرصتونه برابر کړي.

د نن څخه نهه کاله وړاندې د اساسي قانون د جرگې پر مهال پدغه جرگه کې د مهاجرینو د یو استازي په توگه ما خپله له کرزي صاحب څخه غوښتنه وکړه چې باید ستاسو په لومړیتوبونو کې دا شامل وي چې څومره ژر کیدای شي د مهاجرینو خپل هیواد ته د راستنیدو فرصتونه برابر کړئ؛ چې هغه مهاجرینو ته د کورونو لپاره د نمرو په ورکولو او د روغتیایي سهولتونو په برابرولو او هم د مهاجرینو اهدافو او ارمانونو ته په تحقق ورکولو سره ممکن کیدای شي. خو له بده مرغه پر ځای ددې چې ستنیدونکو مهاجرینو ته نمرې ورکړې، د پانگوال نظام د بنیاد د ایښودونکو لپاره ښارگوټي جوړوي، او د ولس د گټو پر ځای د څو ښامارانو گټې مطرح دي.

او ددې پر ځای چې د جهاد او هجرت د موخو او ارمانونو د تحقق په لپار کې جراتمندانه گام اوچت کړي او هغسې پالیسي خپلې کړي چې مهاجرین دلته موجود حکومت کې د خپلو اهدافو او ارمانونو تصویر ووینې، ورځ تر بلې اسلامي ارزښتونه پایمالیږي او د لویدیځ په پل، پل کېښودل کیږي څو لویدیځوال خوشحاله شي او مونږ ته مرستې راکړي. (ورکې دې هغه مرستې شي چې وروو له وروو څخه جلا کوي او ولس مو بې غیرته کوي) او د روغتیایي سهولتونو د برابرولو په لړ کې خو دا حال دی چې زه پخپله هم د خپل یو ناروغ ماشوم د علاج او تداوی لپاره په میاشت کې دوه ځلې د خپل ماشوم پاکستان ته لیږلو ته اړیم؛ څکه چې دې بې غیرته حکومت په یوولسو کلونو کې هم ونشو کړای چې کم تر کمه په هیواد کې خو یو دوه د تیلسمیا مرکزونه جوړ کړي. خو الله دې په افغان ولس رحم کوي چې ددې پانگوال نظام څخه یې خلاص کړي چې هر کار ته له مادي نظره گوري او د ولس ستونزې ورسره مطرح نه وي او لکه د چسې په څېر به افغان ولس تیل شوی او اراده یې ورڅخه تروړلې ده..

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین ارزوهای ماست

دور ششم – سال یازدهم – شمارهٔ (۱۷) ۳۱ سرطان ۱۳۹۱ ۲ رمضان المبارک ۱۴۳۳ - 21 July 2012

شفیق

د پښتونخوا حکومت لخوا د مهاجرینو ستنېدو ته اړ ویستل



پـدې وروستېو کـې د پاکستان د پښتونخوا ایالت حکومت پریکړه کـړې چـې نور هغه مهاجرین لـه خپلې خاورې افغانستان تـه پـه بېرتـه ستنېدو مجبور کـړي چـې د مهاجرت کارتونه نلري. او د همدې پریکړې لـه مخې د پښتونخوا پـه آیالت کـې پولیسو تـه ددغو مهاجرینو پـه ځانګړې توګه او د ټولو مهاجرینو پـه عامه توګه د تنګولو، بندي کولو او افغانستان تـه د رالیږلو حکم شوی دی. چې لاملـه یـې د اوړي د موسم پـه راتګ سره هیواد تـه د راستنیدونکو مهاجرینو پـه شمیره کـې ډېروالـی هـم راغلـی دی. د مهاجرینو د ستنېدو کـه یـو لامل پـه پېښور او نوره پښتونخواکې د ګرمۍ زیاتوالی او ورسره سم د بریښنا لوډشیډنګ دی نـو بل عامل یـې د پولیسو لخوا د مهاجرینو تنګول او خپل هیواد تـه یـې د ستنولو هڅې او پلانونـه هم دي.

ښایي یـو لامل دا هـم اوسي چې د پاکستان حکومت د خپل مهارت پر بنیاد پـدې کار سره غواړي یـو ځل بیا د نوو مهاجرینو د اندراج لپاره یوه څه بودیجه او پروژه تر لاسه کړي.

خو کـه چیرې وروستی لامل اوسي یا مخکینـي دواړه لاملونـه، دا هـم یـو حقیقت دی چې مهاجرین پـه پاکستان باندې یو بوج دی: ځکه د پاکستان د خپل نفوس لـه ډیروالـي سره د نـږدې دوه وو میلیونو مهاجرینو پدغه هیواد کـې شتون د ژوند د تسهیلاتو پـه برابرولو کـې دغه ګاونډي هیواد تـه ستونزې راولاړوي او دا چـې د افغانستان د مهاجرینو ستونزه د نړۍ پـه تاریخ کې یوه غټـه ستونزه ده چې لاتر اوسه هـم پاتې ده او د مهاجرت د قوانینو پـه رڼا کـې هر مهاجر باید پـه خپلـه خوښـه خپل هیواد تـه ستون شي نو افغان مهاجرین هم دغه حق لري، پرتـه لـدې چې پاکستان زمـونږ یـو ګاونډي او اسلامي هیواد دی او بیا د پښتونخوا پـه آیالت کـې خو د هغو پښتنو حکومت دی چې د پښتو تېګه هم پـه سینه وهي او پدې آیالت کې ۷مخ

تکساری

ابهام و سر در گمی در جنگ داخلی سوریه

در سوریه جنگ داخلی تمام عیار جریان دارد. و ایـن جنـگ خانمـان سـوز در دمشق پایتخت این کشور کشانده شده و دولت سوریه به مصاف مخالفان خود در ایـن روز ها با تانـگ و تـوپ رفتـه است. ایـن حملـه پـس از ده ماه درگیری در ایـن کشور، شدید ترین نبرد هـای داخلی در این کشور بـه شمار مـی رود. در قریهٔ حما، شهر تریمسی سوریه در ایـن هفتـه جاری بیشتر از ۲۵۰ انسان در یک روز؛ بـه شمول زن و طفل و کودک بـه قتل رسیدند و بیشتر از ۵۰ منزل مسکونی از میان رفتـه است. رسانه هـای بین المللی خبر دادند کـه در ایـن شهر نظامیان حکومتی، در مقابله بـا افراد ملکـی برخورد قاطع نمودنـد؛ طـوری کـه تعـدادی از ایـن افـراد اول دستگیر گردیدند، بعداً بـه قتل رسیدند. امروز در شهر هـای بـزرگ سوریه؛ بـه شمول دمشق صدای تـوپ، تانـگ و شـلاق مـرگ در میان مردم می پیچد و ایـن اندام انسان هـا است کـه از خـوف مـرگ مـی لـرزد. اکثریت کشـور هـای عربـی، دیپلومـات هـای ایـن کشـور را از کشـور هـای خـویش رانـده انـد و سـوریه در یـک انـزوای مطلـق سیاسـی بـه سـر مـی بـرد. حکومت بشار الاسد مسوولیت ایـن کشتار هـا را نمـی پزیـرد و آنـرا بـه مخالفـان نسـبت مـی دهـد. ارتـش آزاد سوریه از یک انقلاب فرا گیـر مسـلحانه خبـر مـی دهـد و معـاون آزاد لشـکر سـوریه از یـک دو دسـتگی و شـقاق در داخـل اردوی سـوریه گـزارش داد و بـه نظـر ارتـش آزاد سـوریه، مـردم بایـد مسـلح شـوند، تـا کشـور از بحـران خـارج ساخته شود؛ طوری کـه دیـده مـی شـود، افسـران بلند پایهٔ ایـن کشـور در حـال فـرار از کشـور مـی باشند. بـه همیـن گونـه ایـالات متحدهٔ امریکـا از وقوع یـک نـوع فاجعـهٔ انسانی هشـدار مـی دهـد که دسترسـی مخالفـان حکومـت بـه سـلاح هـای شیمیایی در این کشور می باشد.

سـخنگوی وزارت خارجـهٔ امریکـا گفتـه است که: حکومت سوریه در حال حاضر مسوول حفظ و نگهداری سلاح هـای شیمیایی در ایـن کشـور اسـت و ایـن سـلاح هـا نبایـد در برابـر مردمـان ملکـی بکـار گرفتـه شـود. در یـک حرکت غیر منتظرهٔ دیپلومـاتکی کـوفی عنـان سـر منشی ملل متحد و سـر منشـی اتحادیهٔ عـرب بـه مسکو، در خصـوص حـل سیاسـی مشـکل سوریه این سفر کـاری را از پـیش نبـرد و جانـب سـوریه فعالیت های کـوفی عنـان و پیـام آن را بـه سـوریه شتاب زده و دور از تعقـل خوانـد. پـیش از رسیدن کوفی عنان به مسکو، وزیـر خارجـه مسـکو تاکیـد کرد که بشار اسد هرگـز از قـدرت برکنـار نخواهـد شد و این کشور نمـی خواهـد سناریوی لیبیـا یـک بـار دیگـر در سـوریه تکـرار گـردد. وزیـر خارجـهٔ مسکو اصرار می نمایـد کـه بـا براندازی حکومـت سوریه به وسیلهٔ خـارجی هـا مخـالف اسـت. ایـن مقام بلند پایهٔ روسیه گفتـه اسـت، کـه ایـن کشـور با هـر پیمـان صـلح ملـل متحـد و اتحادیـه عـرب موافق است؛ اما مخالف هـر گونـه دخالـت نظـامی در این کشور می باشد.

با گذشت هر روز طـوری کـه دیـده مـی شـود جنگ داخلی در این کشور ابعـاد گسـترده بـه خـود مـی گیـرد. نماینـدهٔ ویـژهٔ سـازمان ملـل متحـد در امـور کودکـان از حـوادث هولنـاک در ایـن کشـور خبر مـی دهـد، کـه کودکـان قربـانی جنـگ هـای داخلـی از هـر دو طـرف درگیـر مـی شـوند. ایـن گـزارش مـی افزایـد کـه ارتـش آزاد سـوریه از کودکان در خط مقدم جبهـه بـرای انجـام خـدمات درمـانی استفاده مـی کنـد و دولـت نیـز بـار هـا کودکان را مـورد سپر بـلا در ایـن کشـور ساخته است. امـروز مشـکل سـوریه تمـام جریانـات بهـار عرب را به مخـاطره واداشـته اسـت. کشـور سـوریه در گذشـته هـای خـویش از کشـور هـای خوشـنام در خصـوص حقـوق بشـر نمـی باشـد. سـوریه در گذشته ها بـه سیسـتم اسـتخباراتی و نظـامی خـود مشهور بوده است. این کشور در گذشـته هـا هـیچ نوع مخالفت و حرکـات اصـلاحی را در خـود نمـی پـذیرفت، اختنـاق، نقـض حقـوق بشـر و سرکوفتگی مـردم، بـالاخره سـر از آسـتین قـدرت بیـرون آورد. تظـاهرات خیابـانی بـه جنـگ هـای مسلحانه در این کشور منجر گردیـد؛ تـا اینکـه تمـام فعالیـت هـای کشـور هـای قدرتمنـد جهـان، بـه شـمول شـورای امنیـت و اتحادیـه عـرب؛ در خصوص بازگشـت بـه صـلح و ثبـات در ایـن کشـور ناکـام گردیـد. اخـتلاف در میـان کشـورهای عضـو شورای امنیت ملـل متحـد؛ منجملـه: روسـیه، چـین، سیاسـت گنـگ و بـی هـدف ایـران، موضـوع گیـری کشـور هـای ترکیـه و عربسـتان سـعودی و حمایـت آنهـا از مخالفـان سـوریه مشـکل سـوریه را پیچیـده تـر سـاخته اسـت. مصـر از دوره هـای جمـال عبدالناصـر بدینسـو روابـط چنـدان خـوبی بـا سـوریه نداشـته اسـت و ایـن روابـط پـس از معاهـده کمـپ دیویـد در سـال ۱۹۷۸ م میـان ریـژیم صهیونسـتی اسرائیل و مصـر بـه وخامـت گراییـد؛ زیـرا مصـر بـه رژیـم اسـرائیل مشـروعیت بخشـید. اکثریـت کشـور های عربـی، در آغـاز نـا آرامـی هـا را در سـوریه بـه دقت تحت نظر نداشـتند و بـه آن بـی علاقـه بودنـد. بـا بـه وجـود آمـدن حکومـت جدیـد در مصـر کـه رابطـه نزدیکـی بـا مخالفـان سـوریه دارد، افـزون بـر اینکـه؛ قطـر و عربسـتان سـعودی، مخالفـان سـوریه را حمایـت مـی نماینـد. در صـورتی کـه مصـر و سعودی ایـن دو کشـور قدرتمنـدی جهـان عـرب از مخالفـان سـوریه حمایـت نماینـد، جانـب مخالفـان سـوریه از موضـع برتـر در خصـوص ایـن بحـران سـخن خواهنـد گفـت؛ زیـرا مخالفـت اخـوان المسلمین سوریه با دولت بشـار اسـد بـر هـیچ کـس پوشیده نیست. بـدون شـک در سـفر رسـمی رئـیس جمهـور مصـر بـه کشـور سـعودی، مـاجرای سـوریه یکی از محور هـای کلیـدی بحـث هـا بـین ایـن دو رهبر خواهد بـود. اگـر مصـر ماننـد ترکیـه، عربسـتان و قطـر از دخالـت نظـامی در سـوریه حمایـت کنـد، حکومـت اسـد روز هـای دشـواری را پیشـیروی خواهد داشت. چهارشـنبهٔ هفتـهٔ گذشـته، چهـار مقـام سـوریه (وزیـر دفـاع سـوریه داوود راجحـه، معـاونش آصف شوکت، وزیر داخلـه ایـن کشـور ابـراهیم شـعار و رئـیس مـدیریت بحـران حسـن ترکمنـی) در انفجـار بمـب کشـته و تعـدادی زخمـی شـدند کـه ضربهٔ محکمی بود به حکومت سوریه.

کمیسیون مستقل انتخابات:

انتخابات بر اساس قانون اساسی برگزار می گردد و هیچ عامل دیگر نمی تواند آن را تغییر بدهد

اندیشه

کمیسیون مستقل انتخابات بـه روز چهار شنبه ۲۸ سرطان نشست مشورتی را بـا سران و نمایندگان احزاب سیاسی برگزار نمود. در ایـن نشست آقـای فضل احمد معنوی رئیس کمیسیون مستقل انتخابات بـا بیان ایـن که انتخابات آینده با چالش همراه خواهد بود، امـا احزاب سیاسی می توانند با ارائهٔ راهکارها انتقال سیاسی قدرت را تنها از راه انتخابات مشروع امکان پذیر سازند تصریح کردکه، هیچ عامل دیگر نمی تواند برگزاری انتخابات را تغییر دهد. فضل احمد معنوی رئیس کمیسیون مستقل انتخابات گفت: هرچند انتخابات آینده با چالش همراه خواهد بود ولی ایـن مشکلات بـه همکاری مردم و احزاب سیاسی از بین خواهد رفت. از سویی هم آقای معنوی هشدار می دهد، اگر امنیت بـه گونهٔ کامل در کشور تأمین نشود، چالش هـای انتخابات بیشتر از پیش افزایش خواهد یافت. در عین حال برخی احزاب سیاسی بـر نقش نظارتی نمایندگان شان در توزیع تذکرهٔ الکترونیکی، دادن صلاحیت بیشتر به کمیسیون مستقل انتخابات و بی طرف بودن این کمیسیون در مسائل انتخاباتی تأکید کردند.

آقـای معنوی در مورد چگونگی حل مشکلات انتخابات بـا نمایندگان احزاب سیاسی گفت، افغانستان در حال حاضر در دو بخش کـه همانا انتقال مسؤولیت هـا بـه نیروهـای خودی و انتقال سیاسی قدرت است قرار دارد، ولی این دو موضوع سرنوشت ساز بـه زمان و بررسی های بیشتر نیاز داشته و هیچ فرد و جناحی بـه تنهایی نمی تواند از عهدهٔ ایـن کار ها براید. آقـای معنوی گفت کـه، انتخابات بر اساس قانون اساسی بـه وقت تعیین شده برگزار می گردد و هیچ عامل دیگر نمی تواند آن را تغییر دهد. ایـن در حالیست کـه چندی پیش بگومگوی هـای از سوی کاخ ریاست جمهوری وجود داشت کـه بـه دلیل افزایش ناامنی هـا و انتقال مسؤولیت هـای امنیتی در سال ۲۰۱۴ یک سال پیش انتخابات بـر گزار گردد. در ایـن نشست مشورتی نمایندگان احزاب سیاسی بـر نقش بیشتر احزاب سیاسی در روند برگزاری انتخابات و ملـی بودن کمیسیون مستقل انتخابات تأکید کرده، خواهان بی طرفی این کمیسیون شدند.

از سوی دیگر مسؤولان ایـن کمیسیون گفته اند که، این نهاد بـا مشکلات و کمبودی هـای مالی رو برو بوده و پس از مشوره و حمایت سیاسی دولت افغانستان روند ثبت نام رای دهندگان را آغاز خواهند کرد. در حال حاضر نبود یک احصائیهٔ دقیق از رأی دهندگان در سراسر کشور برعلاوه چالش هـای امنیتی، اقتصادی و سیاسی از موضوعاتی است کـه بـر سر راه انتخابات عادلانه قرار دارد.